



دانشگاه فردوسی مشهد

دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی  
گروه آموزشی زبان و ادبیات عربی

پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد

## ادبیات کودک در ادبیات معاصر عربی

استاد راهنما

دکتر علی نوروزی

استاد مشاور

دکتر نجمه رجائی

گرد آورنده

اکرم نظام دوست

پاییز ۱۳۹۰

## فهرست مطالب

چکیده	۵
مقدمه	۶
فصل اول: کلیات	۸
بخش اول: مفهوم ادبیات کودک	۹
۱. ادبیات چیست؟	۹
۲. ادبیات کودک چیست؟	۱۰
۳. مفهوم کودکی در ادبیات کودک	۱۱
۴. اهداف ادبیات کودک	۱۴
بخش دوم: انواع ادبیات کودک	۱۶
۱. ادبیات شفاهی	۱۶
۲. ادبیات مکتوب	۲۰
۱. ۲. داستان	۲۰
۲. ۲. شعر	۲۴
۲. ۳. نمایشنامه	۲۹
بخش سوم: تاریخچه‌ی ادبیات کودک در جهان	۳۲
۱. ادبیات کودک از چه زمانی بوجود آمد؟	۳۲
۲. ادبیات کودک در ادبیات جدید غرب	۳۳
۳. ادبیات کودک در کشورهای آسیایی	۳۶
فصل دوم: ادبیات کودک در ادبیات و فرهنگ قدیم عرب	۴۰
بخش اول: کودک در ادبیات فرهنگ قبل از اسلام	۴۱
۱. سهم کودک در ادبیات بزرگسالان	۴۱
۲. جایگاه کودک در منابع تعلیم و تربیت	۴۳
۳. ادبیات کودک در ادبیات عامه	۴۴
بخش دوم: کودک در ادبیات فرهنگ بعد از اسلام	۴۷
۱. سهم کودک در ادبیات بزرگسالان	۴۷

۵۱	۲. جایگاه کودک در منابع تعلیم و تربیت
۵۴	۳. ادبیات کودک در ادبیات عامه
۶۱	<b>فصل سوم: ادبیات کودک در ادبیات معاصر عرب: کشورها</b>
۶۲	بخش اول: کشورهای آفریقایی
۶۲	۱. مصر
۶۸	۲. لیبی
۷۰	۳. الجزائر
۷۱	۴. تونس
۷۲	۵. مغرب
۷۴	۶. سودان
۷۶	بخش دوم: کشورهای آسیایی
۷۶	۱. سوریه
۷۹	۲. اردن
۸۱	۳. عراق
۸۴	۴. فلسطین
۸۹	۵. لبنان
۹۰	۶. عربستان
۹۱	۷. کویت
۹۲	۸. امارات
۹۳	۹. قطر
۹۴	<b>فصل چهارم: ادبیات کودک در ادبیات معاصر عرب: شخصیت‌ها</b>
۹۵	بخش اول: پیشگامان اولیه
۹۷	۱. طهطاوی
۱۰۰	۲. محمد الهراوی
۱۰۵	۳. کامل کیلانی
۱۱۱	۴. محمد عثمان جلال
۱۱۹	۵. شوقی
۱۳۲	بخش دوم: نوآوران

۱۳۳	.....	۱. زکریا تامر
۱۴۱	.....	۲. عبدالنواب یوسف
۱۴۸	.....	۳. سلیمان العیسی
۱۵۷	.....	۴. حسن السوسی
۱۶۶	.....	نتیجه گیری
۱۷۰	.....	منابع و مآخذ
۱۷۰	.....	۱. کتابنامه (فارسی و عربی)
۱۷۹	.....	۲. منابع اینترنتی
۱۸۲	.....	چکیده عربی
۱۸۳	.....	چکیده انگلیسی

## چکیده

ادبیات کودک، شاخه‌ای جدید از ادبیات معاصر جهانی است که ابتدا در اروپا شکل گرفت و سپس به سایر کشورهای جهان راه پیدا کرد. زمان تولد این نوع ادبی در کشورهای عربی، اواخر قرن نوزدهم در مصر و ظهور آن در سایر کشورهای جهان عرب قرن بیستم است. البته نمونه‌های ابتدایی و قدیمی این ادبیات را می‌توان در ادبیات عامه و شفاهی عربی مشاهده نمود. اولین آثار ادبی که در دوره‌ی معاصر برای کودکان عربی نوشته شد به صورت ترجمه، اقتباس و در قالب آموزشی و بدور از واقعیت دنیای معاصر بود. این آثار توسط پیشگامانی چون کامل کیلانی، محمد ال‌هراوی، احمد شوقی و محمد عثمان جلال تألیف شد. اما در چند دهه‌ی اخیر و به طور تقریبی می‌توان گفت از سال ۱۹۶۷م. آثار ادبی برای کودکان عرب با اهتمام نویسندگان و شاعران بزرگ عرب به آن مانند زکریا تامر، عبدالنواب یوسف، سلیمان العیسی و... رو به ترقی و پیشرفت نهاد.

**کلمات کلیدی:** ادبیات، کودکان، ادبیات کودک، شعر، داستان، نمایشنامه، کشورهای عربی.

## مقدمه

ادبیات کودک شاخه‌ای جدید در ادبیات معاصر است. تقریباً از اواخر قرن هفدهم، نمونه‌هایی ابتدایی آن در ادبیات اروپا پدیدار گشت و به سرعت به ادبیات سایر کشورها در قاره‌های مختلف نفوذ کرد و می‌توان ردپای آن را در قرن نوزدهم به شکل ابتدایی در ادبیات عربی مشاهده نمود.

ادبیات کودک در ادبیات معاصر عربی موضوعی است که این تحقیق به دنبال روشن کردن جنبه‌های مختلف آن است تا بدین وسیله قسمتی تاریک اما مهم و تأثیرگذار در تاریخ ادبیات معاصر عربی برای محققان این رشته آشکار گردد.

ادبیات کودک در انواع مختلف آن مانند شعر و داستان، بخشی از فرهنگ انسان معاصر عربی است. اما برای سال‌های طولانی این بخش، هم از لحاظ کیفیت تولید و هم از لحاظ نظارت و نقد و بررسی آن، مورد غفلت و بی‌توجهی قرار گرفت. ولی در چند دهه‌ی اخیر ادیبان و ناقدان توانمندی در جهان عرب به نقد و بررسی این گونه‌ی ادبی پرداختند افرادی چون احمد زلط، عبدالتواب یوسف، عبدالله ابوهیف، محمد قرانیا و دیگرانی که آثار ارزشمندی در زمینه‌ی نقد ادبیات کودک عرب فراهم آوردند.

علی‌رغم رشد کمی و کیفی تولیدات ادبی کودکانه در جهان عرب، متأسفانه این بخش هنوز در ایران ناشناخته مانده است و پژوهشگران ادبیات عرب در ایران کمتر با این آثار و پدیدآورندگان آن آشنایی دارند. در نتیجه تحقیقات انجام شده در این حوزه انگشت شمار است و به چند مقاله مانند مقاله صباح زنگنه در مجله ادبستان خلاصه می‌شود.

این موضوع به پیشنهاد یکی از دوستان که در زمینه‌ی ادبیات کودکان مطالعاتی داشت و با مشاهده‌ی چند کتاب کودک به زبان عربی در کتابخانه، مورد توجه من قرار گرفت و با تحقیقات اولیه متوجه شدم در رابطه با این موضوع در ایران کار به خصوصی انجام نشده است، بنابراین این موضوع را شایسته‌ی مطالعه و بررسی به عنوان کار پایان نامه‌ام دیدم.

در ابتدای کار با این فرض که می‌توان در تاریخ گذشته‌ی ادبیات عربی، به نمونه‌هایی از ادبیات کودک دست یافت، به بررسی متون قدیمی به خصوص در حوزه‌ی ادبیات عامه پرداختم.

با توجه به بیداری جهان عرب در عصر حاضر و رشد چشم‌گیر تولیدات ادبی در آن، تصور من بر این بود که در این دوره می‌توان به نمونه‌هایی عالی از ادبیات کودک دست یافت.

روش کار در این پایان‌نامه، روش کتابخانه‌ای و استفاده از کتاب‌های نقدی فارسی برای رسیدن به مفهوم ادبیات کودک و روش نقد آن و سپس کتاب‌های قدیم و جدید عربی و آثار نویسندگان و شاعران کودک در جهان عرب بود. روش دست‌یابی به این آثار، ابتدا استفاده از کتاب‌های موجود در کتابخانه‌های ایران و در درجه‌ی دوم کتاب‌هایی که امکان دانلود آن‌ها در کتابخانه‌های مجازی مانند مکتبه المصطفی و فوردشیر مهیا شده بود و در آخر استفاده از سایت‌های اینترنتی بود. این تحقیق در چهار فصل و هر فصل رد چند بخش تهیه و تنظیم گشته است:

- در فصل اول کلیات ادبیات کودک بررسی می‌شود و خواننده در پایان این فصل به تعریفی از ادبیات کودک و اهداف، انواع و روند شکل‌گیری و رشد آن در ادبیات جهان خواهد رسید.

- فصل دوم در مورد تاریخچه‌ی ادبیات کودک و معرفی آثار بوجود آمده برای کودکان در دو دوره‌ی قبل و بعد از اسلام مورد بررسی قرار می‌گیرد.

- فصل سوم نیز به تاریخچه‌ی ادبیات کودک و معرفی آثار بوجود آمده‌خ برای کودکان در کشورهای مختلف عربی در عصر جدید، اختصاص یافته است.

- در فصل چهارم که فصل اصلی پایان‌نامه است آثار چند تن از نویسندگان و شاعران بزرگ ادبیات کودک در دو دوره‌ی پیشگامان و نوآوران مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در پایان اعتراف می‌کنم که نارسایی‌ها و کمبودهایی در کل کار وجود دارد که ناشی از بی‌تجربگی اینجانب و کمبود منابع اصلی کار می‌باشد؛ اما سعی کرده‌ام در حد توان از هیچ تلاشی در جهت بهتر ارائه دادن کار دریغ نورزم و امید است اساتید گرامی و خوانندگان محترم خطاهای اینجانب را در این کار، به دیده‌ی اغماض بنگرند.

و من الله التوفیق

اکرم نظام دوست

فصل اول:

کلیات



## بخش اول: مفهوم ادبیات کودک

ادبیات کودک، شاخه‌ای جدید از ادبیات معاصر است که تاریخ پیدایش آن، به حدود سه قرن گذشته باز می‌گردد. این اصطلاح از دو کلمه‌ی ادبیات و کودک تشکیل یافته بنابر این برای شناخت بهتر آن، بایستی با مفاهیم ادبیات، کودکی در ادبیات کودک و اهداف آن بیشتر آشنا شویم.

### ۱. ادبیات چیست؟

تعریف ادبیات کار مشکلی است؛ هر چند که هنگام صحبت از ادبیات، به نظر می‌رسد همه می‌دانند راجع به چه چیزی گفتگو می‌شود و آن را با فلسفه، تاریخ، روانشناسی و... اشتباه نمی‌گیرند. از زمان‌های گذشته تاکنون فیلسوفان، ادیبان و نظریه‌پردازان ادبی بزرگ، تعریف‌های متفاوتی از ادبیات ارائه داده‌اند اما هیچ‌کدام از آن‌ها نتوانستند به تعریف جامع و مانعی از ادبیات دست یابند؛ دلیل روشن این امر، ظهور هر چند گاه یک نظریه‌پرداز جدید و ارائه‌ی یک تعریف جدید از ادبیات است. (حجازی، ۱۳۸۳: ۱۵)

مهمترین مشکل در تعریف ادبیات، مشخص کردن مرزها و محدوده‌ی آن است یعنی ارائه‌ی تعریفی که همه‌ی جوانب ادبیات را در بر بگیرد و هم مانع از حضور عناصر غیر ادبی باشد. هر چه به سمت تعریف‌های قدیمی‌تر ادبیات و یا بهتر بگوییم تعریف ادبیات در زمان‌های گذشته پیش برویم، دامنه‌ی مفهوم ادبیات گسترده‌تر خواهد شد. ولک و وارن معتقدند «هرگاه بخواهیم ادبیات یک دوره‌ی معین از تاریخ تمدن را درک کنیم نباید کار خود را به ادبیات محض و یا حتی آثار چاپی یا خطی منحصر کنیم، بلکه بنا بر شیوه‌ی معمول بسیاری از محققان، تحقیق ادبی نه تنها به تاریخ تمدن مربوط و نزدیک شده بلکه در حقیقت با آن یکی گشته است.» (۱۳۷۳: ۱۹)

در منابع عربی قدیم نیز با تعریف‌های گسترده‌ای از ادبیات برخورد می‌کنیم؛ در تاج العروس آمده است: «ادب چیزی است که با آن ادیب، دیگری را به کارهای پسندیده فرا بخواند و از زشتی‌ها برحذر دارد... در مصباح آمده است که آن یادگیری ریاضت نفس و اخلاق نیکو است.. و

جوالیقی در شرح ادب الکاتب می گوید: ادب، اخلاق نیکو و کار نیک است و به علوم جدیدی که در دوره‌ی اسلامی پدید آمده است، اطلاق می شود.» (۱۹۹۴م: ۱/ ۲۹۶)

برخی نیز در دنیای معاصر چنین تعریف گسترده‌ای از ادبیات دارند مانند این تعریف که ادبیات را «چگونگی تعبیر و بیان احساسات و افکار به وسیله‌ی کلمات در اشکال و صورت‌های مختلف مثل انشا، خطابه و نظم و نثر و...» (شعاری نژاد، ۱۳۷۹: ۶۳) می داند. در این دایره‌ی وسیع، هر نوشته‌ای می تواند جزء ادبیات به حساب آید. لیلی ایمن نیز با این دیدگاه، ادبیات را چنین توصیف می کند: «مجموعه‌ی تظاهرات هنری هر قوم، که در قالب کلام ریخته شده است، ادبیات آن قوم و ملت به شمار می آید.» (۱۳۵۲: ۱)

اما عده‌ای دیگر در دنیای معاصر، براساس فلسفه‌ی زیبایی شناسی سعی کردند دامنه‌ی ادبیات را محدودتر نمایند. چرا که در تعریف آن‌ها تمام آثار مکتوب جزء ادبیات نیست بلکه ادبیات «متنی است که با استفاده از قابلیت‌های زبان، شکل‌های زیبایی را جهت انتقال مفاهیم می آفریند و بر مخاطب تأثیر عاطفی دارد.» (حکیمی و کاموس، ۱۳۸۲: ۵۷) این تعریف، ادبیات را به مفهوم "ادبیات ناب" نزدیک می کند و آن، یکی از قالب‌های بروز و تجلی هنر در وجه کلامی آن (داستان، شعر و نمایش‌نامه) است که با بیانی غیر آموزشی و غیر مستقیم بر مخاطب خود تأثیر مطلوب گذاشته و نوعی انبساط روانی خاص و رها از سود و زیان در او بوجود می آورد. (حجوانی، ۱۳۸۹: ۲۶ و ۲۸) ولک و وارن نیز بر این اساس معتقدند «ادبیات جنبه‌ی بیان نفسانیات دارد و لحن و شیوه‌ی نگرش نویسنده را منتقل می کند و می خواهد در شیوه‌ی نگرش خواننده تأثیر بگذارد و او را اقناع و سرانجام دگرگون کند. بنا بر این بهتر است تنها آثاری را ادبی بدانیم که در آن‌ها کارکرد زیبایی شناسی غالب باشد.» (۱۳۷۳: ۱۲-۱۵)

## ۲. ادبیات کودک چیست؟

در راستای تعاریفی که از ادبیات ارائه شد، ادبیات کودک را نیز می توان تعریف کرد. براساس دیدگاه اول و با در نظر گرفتن دامنه‌ی گسترده‌ی مفهوم ادبیات، عده‌ای ادبیات کودک را با دامنه‌ای وسیع و جنبه‌ها و ابعاد متعدد تعریف می کنند. در این تعریف «ادبیات کودک مجرد قصه، حکایت

و شعر نیست بلکه تمام معارف و دانش‌های انسانی را شامل می‌شود. در واقع هر آنچه برای کودک نوشته می‌شود اعم از قصه، مطالب علمی، نمایشنامه و... در کتاب، مجله، برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی منابع ادبیات کودک را تشکیل می‌دهد.» (عبدالفتاح، ۲۰۰۰: ۱۸) این تعریف در واقع همان تعریف ادبیات در قالبی ساده‌تر است، به گونه‌ای که کودک معنای آن را بفهمد. لیلی ایمن نیز در ادامه‌ی تعریف ادبیات، چنین تعریفی را از ادبیات کودک ارائه می‌دهد: «ادبیات کودکان در اصل با تعریفی که از ادبیات به معنای اعم ذکر شد تفاوتی ندارد... آنچه ادبیات کودکان را از ادبیات بزرگسالان متمایز می‌سازد، تفاوتی است که بین نیازها و امکانات کودکان و بزرگسالان وجود دارد.» (۱۳۵۲: ۱)

اما در تعریف ادبیات با دامنه‌ی محدودتر که براساس فلسفه‌ی زیباشناسی است، می‌توان به تعریفی روشن‌تر و جامع‌تر از ادبیات کودک دست یافت. بنابر این تعریف، متنی می‌تواند جزء ادبیات کودک به شمار آید که پیش از هر چیز ادبی بودن خود را اثبات کند و بتواند در یکی از شاخه‌های شعر، داستان و نمایشنامه جای بگیرد. پس باید متن کودکان در درجه‌ی اول ادبیات باشد و دست کم یکی از دو عنصر "ادبی بودن" و "تخیل" را داشته باشد. (حکیمی و کاموس، ۱۳۸۲: ۱۴۴)

لازم به ذکر است که در این تحقیق، هر جا سخن از ادبیات در گذشته است از تعریف اول یعنی تمام متونی که در آن به کودک توجه شده، استفاده می‌گردد. اما در ادبیات معاصر کودک، تعریف دوم یعنی متن ادبی در قالب شعر، داستان و نمایشنامه‌ی کودک، مد نظر است.

### ۳. مفهوم کودکی در ادبیات کودک

در تعریف کودکی، معمولاً به محدوده‌ی سنی خاصی اشاره می‌کنند که از زمان تولد کودک آغاز شده و تا پایان مرحله‌ی نوجوانی را شامل می‌شود. در طول این مدت کودک، به شناخت جهان اطراف، دنیای درونی خود و قوانینی که برای زندگی در اجتماع بدان نیاز دارد، می‌رسد. یکی از نیازهای کودک در این مرحله، نیاز به ادبیات است؛ هر چند که آن، از نیازهای اولیه‌ی او نیست

اما نمی‌توان تصور کرد رشد روانی کودک بدون آن به تکامل برسد. علاقه‌ی کودک به لالایی، شعر، قصه و بازی‌هایی که با شعر خوانده می‌شود، نشان از این نیاز روانی اوست.

کودک از تولد تا نوجوانی، سیر شناختی رو به تکاملی را در چندین مرحله طی می‌کند و در طول این مراحل بر اساس شناخت‌ها و نیازهایش به شکل خاصی از ادبیات گرایش می‌یابد. یکی از متخصصان روانشناسی کودک به نام پیازنه سیر شناختی کودک را به چهار مرحله تقسیم کرده است:

#### ۱. مرحله‌ی حسی - حرکتی (از بدو تولد تا ۱۸ ماهگی): نوزاد در این مرحله از

طریق مشاهده‌ی حسی، یادگیری را آغاز کرده و از طریق فعالیت و جست و جو و دخل و تصرف در محیط، کنترل اعمال حرکتی خود را به دست گرفته و به تدریج با جهان اطراف خود آشنا می‌شود. (ابو حمزه و هاشمیان، ۱۳۸۱: ۴۱) نیاز ادبی کودک در این مرحله به شنیدن لالایی و متل‌های آهنگین خلاصه می‌شود؛ چرا که او هنوز به درستی، قادر به فهم معنای کلمات نیست و تنها از موسیقی و آهنگ آن، لذت می‌برد.

#### ۲. مرحله‌ی عملیاتی (۲ تا ۷ سالگی): از خصوصیات کودک در این مرحله، دخل و

تصرف در نمادها به خصوص در کلمات است. این پدیده در تقلید، بازی‌های خیالی و بازی کردن نقش دیگران آشکار می‌شود. یادگیری زبان در این مرحله اتفاق می‌افتد اما او تا پایان این مرحله قادر به درک برخی قواعد زبانی و کلمات نیست. کودک در این سنین خود محور است یعنی همه چیز را از دیدگاه خود می‌بیند و گمان می‌کند همه‌ی مردم مثل او فکر می‌کنند. جاندار پنداری نیز از دیگر خصوصیات کودک است و مشاهده می‌شود که او هر موجود متحرک حتی ماشین و خورشید را جاندار می‌انگارد و به اشیاء بی‌جان نسبت زندگی می‌دهد. (همان: ۴۴)

کودک در این مرحله از طریق قصه و شعر می‌تواند جامعه و نقش‌های موجود در آن را بشناسد. پیشرفت زبان آموزی او در این مرحله سریع است و می‌تواند به معنای کلمات توجه کرده و از متل‌ها و کلام آهنگین لذت ببرد و همچنین می‌تواند قصه‌هایی که برایش خوانده می‌شود را بازگو کند. او از وزن و قافیه و تکرار کلمات آهنگین و خواندن قصه-

هایی که جملات تکراری دارد، لذت می‌برد. کودک در این مرحله براساس خصوصیت خود محوری نسبت به داستان‌هایی تمایل نشان می‌دهد که درمورد زندگی روزمره‌اش است و دوست دارد خود را به جای قهرمان داستان‌ها بگذارد. هم چنین او براساس خصوصیت جاندار پنداری، از داستان‌هایی که شخصیت‌های آن حیوانات و موجودات بی‌جان مانند درخت، گل و خورشید است لذت می‌برد. (حجازی، ۱۳۸۳: ۶۴) کودک در این مرحله مفاهیم انتزاعی هم‌چون زمان، فاصله و نسبت بین اشیاء را به سادگی درک نمی‌کند، به‌خصوص درک توالی زمان مانند مفهوم گذشته و آینده برای او که تنها در زمان حال زندگی می‌کند، چندان روشن نیست؛ به همین دلیل بیان مسائل تاریخی در این سنین برای او مناسبی ندارد. (رهگذر، ۱۳۶۹: ۶۸)

۳. **مرحله‌ی عملیات ذهنی (۷ تا ۱۲ سالگی):** کودک در این مرحله قادر به فهم جنبه‌های مختلف یک موقعیت یا به اصطلاح نگهداری ذهنی است یعنی او می‌تواند به حالات مختلف اشیاء در موقعیت‌های مختلف توجه کند. او فعالیت‌های منطقی را شروع کرده و معنای وزن، طول و زمان را درک می‌کند و قادر است واژه‌های انتزاعی را به کار ببرد. (ابو حمزه و هاشمیان، ۱۳۸۱: ۴۵)

کودکان در این دوره علاقه‌مندند مفاهیم را از طریق تجربه درک کنند؛ بنابراین از بازی‌های تخیلی و کتاب‌هایی درباره‌ی بازی‌ها لذت می‌برند. کودک در این مرحله به داستان‌هایی توجه دارد که در آن حیوانات سخنگو، پایان خوش و برقراری عدالت در آن، شوخی و طنز، پاسخ سؤال‌هایشان به خصوص در مورد جنسیت و تفاوت‌های ظاهری افراد، ماجراهای تخیلی و معماگونه وجود دارد. زبان نگارش کتاب‌های کودک در این سنین باید ساده و روان باشد. (حجازی، ۱۳۸۳: ۶۵-۶۸)

۴. **مرحله‌ی عملیات صوری یا نوجوانی (از ۱۲ سالگی به بعد):** در این مرحله فرد برای حل مسائل از راهبردهای متنوع استفاده می‌کند و از لحاظ تفکر انعطاف‌پذیرتر و ماهرتر است و می‌تواند مسائل را از دیدگاه‌های مختلف ببیند و در موقعیت‌های فرضی

دخل و تصرف کند. نوجوان در این مرحله به دنبال یافتن ماهیت خود است. (ابو حمزه و هاشمیان، ۱۳۸۱: ۴۷)

این دوران با شروع نشانه‌های بلوغ در کودکان همراه است به همین دلیل نوجوانان به داستان‌های مربوط به جنسیت، داستان‌های واقعی، کتاب‌هایی که در آن به سؤالات مهم آن‌ها در مورد هستی و یافتن من حقیقی‌اشان کمک می‌کند، تمایل نشان می‌دهند. آن‌ها در داستان‌ها به دنبال قهرمانان ایده‌آل خود و صفات عالی انسانی هستند. در این میان نوجوانان به دلیل توجه به آینده و آشنایی با مشاغل مختلف، به سمت کتاب‌ها و داستان‌هایی کشیده می‌شوند که در آن، این مسائل مطرح شده است. (حجازی، ۱۳۸۳: ۶۸)

#### ۴. اهداف ادبیات کودک

سؤالی که در اهداف ادبیات کودک مطرح می‌شود، این است که آیا ادبیات کودک ادبیاتی تعلیمی و آموزشی است یا جنبه‌ی زیبایی و جذابیت آن برای کودک اهمیت دارد. عده‌ای از صاحب نظران به‌خصوص آنان که در حوزه‌ی تربیت کودک فعالیت می‌کنند به ادبیات کودک از دریچه‌ی آموزش می‌نگرند. آن‌ها معتقدند: «ادبیات کودک از آن جنبه که مخاطب خود را در شناخت خویشتن و جهان اطرافش یاری می‌رساند و سعی می‌کند مخاطب کم تجربه‌ی خود را نسبت به زندگی و جامعه آگاه سازد، جنبه‌ی تعلیمی دارد و از آنجا که دوران کودکی بهترین سنین فراگیری و آموزش مفاهیم اساسی زندگی است پس به طور طبیعی و منطقی ادبیات کودک باید جنبه تعلیمی داشته باشد.» (حکیمی و کاموس، ۱۳۸۲: ۱۵۷)

ادبیات کودک از نگاه متخصصان دینی نیز آموزش محور است. برخی از ادیبان مسلمان مانند سید قطب و نجیب کیلانی، با تکیه بر نقد اسلامی که در اواخر قرن بیستم در مصر، عربستان و سایر کشورهای اسلامی شناخته شد، نوعی از ادبیات کودک با عنوان "ادبیات اسلامی کودکان" را پی‌ریزی کردند. نقد اسلامی در این ادبیات، در پی یافتن رموز، اشارات، اعتقادات و مبادی است که فلسفه اسلامی به آن فرا می‌خواند. آنان ادبیات اسلامی را به صرف اسلامی بودن تنها محدود به بیان قصه‌های قرآن، پیامبران و تاریخ اسلام نمی‌دانند بلکه معتقدند گستره‌ی آن به اندازه تمام

هستی، انسان و جهان است و در آن زندگی با تمام مشکلات و مسائل آن، بیان می‌شود اما «تنها تمایز اساسی این ادبیات، این است که همه‌ی امور، از زاویه‌ی دیدی به تصویر کشیده می‌شود که حقیقت الهی و مرکزیت آن در عالم هستی و در یک کلام یگانگی خداوند به نمایش درآید.» (حویجی، ۱۹۹۶: ۳۱)

ادبیات اسلامی کودکان، متعهد است تا با محتوای قصه‌ها و شعرها، کودک را به سمت تعالی و تقرب به سوی خدا سوق دهد و اعتقادات دینی را در جان او نهادینه کند و به سوال‌های اساسی او در مورد مرگ و زندگی، بهشت و جهنم، خلقت موجودات و... پاسخ دهد و با بیان سرگذشت شخصیت‌های بزرگ اسلام، اخلاق نیکو هم‌چون تقویت روحیه‌ی همکاری و خیر دوستی، شجاعت و صراحت را در وجود کودک بی‌پروا کند. (همان: ۳۷-۶۱)

در این دیدگاه منظور از آموزش «فعالیت یا تدبیری از پیش طرح‌ریزی شده است که هدف از آن آسان‌سازی وقوع تغییر نسبتاً پایدار در رفتار و یا توان رفتاری است.» (خسرو نژاد، ۱۳۸۲: ۳۳) البته این دیدگاه وجود عناصر زیباشناختی را در ادبیات کودک نفی نمی‌کند بلکه معتقدان به آن «همه در اولویت و اصالت آموزش در ادبیات کودک اتفاق نظر دارند و با شدت و ضعف، زیبایی را در حد ابزاری برای تحقق اهداف آموزشی تلقی می‌کنند.» (حجوانی، ۱۳۸۹: ۳۰)

در مقابل دیدگاه آموزش محور، دیدگاه زیبایی محور به ادبیات کودک نیز وجود دارد. این دیدگاه متعلق به کسانی است که ادبیات کودک را نوعی هنر و جزء ادبیات ناب به حساب می‌آورند. در این دیدگاه «زیبایی عنصر اصلی، ذاتی، جدایی ناپذیر و نخست ادبیات کودک به شمار می‌رود و در مقابل، هرگونه هدف آموزشی، نسبت به آن امری فرعی، عرضی و ثانوی است.» (همان: ۶۰) استدلال معتقدان به این دیدگاه، وجود بعضی از داستان‌های تخیلی مانند آلیس در سرزمین عجایب و هری پاتر در ادبیات غربی و یا بعضی متل‌ها مانند حکایت اتل متل توتوله در فرهنگ ایرانی است که فاقد آموزش به معنای علمی آن است، اما عناصر زیبایی شناختی در آن به فراوانی وجود دارد. (همان: ۵۷ و ۶۱)

## بخش دوم: انواع ادبیات کودک

ادبیات کودک با سابقه‌ی طولانی در فرهنگ و ادبیات ملت‌ها، به اشکال و انواع مختلف بروز یافته است. شکل‌های اولیه‌ی آن، به صورت شفاهی و برخاسته از فرهنگ عامه‌ی مردم در روزگاران گذشته بود. بعضی از این اشکال، هنوز در دنیای معاصر به شکل شفاهی مورد پذیرش کودکان امروزی است مانند انواع لالایی‌ها، متل‌ها و شعرهای بازی. اما در دنیای معاصر به انواع شناخته‌شده‌ای از ادبیات کودک برمی‌خوریم و همان‌گونه که در تعریف ادبیات کودک در بخش اول بیان شد، این نوع به شکل داستان، شعر و نمایشنامه در دنیای امروز شناخته می‌شود و در اینجا این نوع از ادبیات کودک را در مقابل ادبیات شفاهی، با عنوان ادبیات مکتوب مورد بررسی قرار می‌دهیم.

### ۱. ادبیات شفاهی

ادبیات شفاهی و عامه در زمان‌های گذشته، آمیزه‌ای از ادبیات بزرگسال و کودک بود و تنها، مخاطب ویژه‌ی برخی از گونه‌های آن هم‌چون حکایت‌ها و افسانه‌های کهن و انواع ترانه‌های لالایی، متل‌های آهنگین و ترانه‌های نیایش و بازی، کودکان بودند. افسانه‌های کهن در دنیای معاصر، وارد داستان‌ها و کتاب‌ها شدند به همین دلیل در این قسمت در ذیل ادبیات شفاهی قرار نمی‌گیرند. ترانه‌ها شامل انواع لالایی، ترانه‌های شادی و بازی، متل‌ها، چیستان‌ها و... می‌باشند. البته ممکن است در این میان به نمونه‌هایی از انواع متل و چیستان به صورت نثر برخورد کنیم اما اغلب، این دو نوع برای ماندگاری در میان نسل‌ها، شکل آهنگین به خود گرفته‌اند.

در ادبیات عامیانه، ترانه‌ها از نخستین گونه‌های ادبیات شفاهی کودکان‌اند و این گونه‌ی ادبی را می‌توان پیش درآمدی بر شعر امروز کودکان به شمار آورد. ترانه از لحاظ آهنگ «به هر قطعه‌ی کوچکی گفته می‌شود که دارای لحنی از الحان موسیقی باشد و آن دو بیتی، رباعی، تصنیف‌های امروزی و بسیاری از اشعار کودکانه را شامل می‌شود.» (پناهی سمنانی، ۱۳۶۴: ۱۳) در میان ترانه‌های کودکانه می‌توان به انواع زیر اشاره کرد:



**الف. لالایی:** لالایی در لغت به معنای آوازی است که مادران هنگام خوابانیدن کودکان خود، با نوایی آهنگین و صمیمی زمزمه می‌کنند تا کودک آرام بگیرد. دیرینگی لالایی به پیش از دوران خط و کتابت می‌رسد و در ابتدا به شکل زمزمه‌های نامشخص و هجاهای بی‌معنای مکرر بود اما با پیشرفت سطح زندگی بشر و یک‌جانشین شدن او، لالایی‌ها با فرهنگ عامه و اعتقادات مردم آمیخته و غنی‌تر شدند. (انوشه، ۱۳۷۶: "لالایی")

لالایی در هر زبانی دارای سه بعد است: ابتدا بُعد شاعرانه‌ی آن که در مضمون، وزن و قافیه‌ی آن مشاهده می‌شود. بعد دوم بعد موسیقایی آن است که اهمیت فراوانی دارد؛ زیرا کودکان بیشتر از نوای آهنگین لالایی لذت می‌برند، به خصوص کودکانی که در مراحل اولیه‌ی رشد هستند و متوجه کلام آن نمی‌شوند. بعد سوم بعد تئاتری کار است یعنی لالایی می‌تواند توأم با حرکت و کنش خاص خود باشد.

لالایی را جزء بدوی‌ترین آثار موسیقایی جهان به حساب آورده‌اند که در تمام ملت‌ها به اشکال مختلف وجود دارد اما مضمون بیشتر آن‌ها در هر زبان و فرهنگی این است: بچه جان بخواب، مامانت اینجاست. تو سالمی و هیچ دلیلی برای گریستن نیست. دیگر مضامین لالایی‌ها مربوط به خانه و زندگی عمومی خانواده، بیان اوصاف طبیعت، ستایش مادر از کودک، دادن وعده‌ی هدیه و یا ترساندن او از موجودات شرور برای خواباندنش، بیان درددل‌ها، گلایه‌ها و ناراحتی‌های مادر و یا حتی تعریف حکایت در ضمن لالایی است. (سرامی، ۱۳۸۰: ۱۰-۲۰)

از نمونه‌ی لالایی‌هایی که مادران ایرانی برای کودکانشان می‌خوانند، نمونه زیر است:

لالا لالا گل پسته	باباش بار سفر بسته
لالا لالا گل خشخاش	باباش رفته خدا همپاش
لالا لالا گل زیره	بچه‌م آروم نمی‌گیره
لالا لالا گل آلو	بچه‌م مستست و خواب آلو

(انجوی شیرازی، ۱۳۷۱: ۳۳)

زنان عرب نیز با لالایی‌هایی مشابه کودکان خود را به خواب می‌برند. مانند این لالایی تونسوی:

نئی نئی جاک نُعاس      أمک فضا و بوک نُحاس

نُنِّي نُنِّي جَاك النُّومِ يَا خَدَّيْنِ بُوْقَرَعَوْنَ

(ابوسعید، ۱۹۸۲م: ۲۲)

[لالا لالا خواب به سراغت آمد، مادرت نقره و پدرت مس است، لالا لالا خواب به سراغت

آمد، ای دو گونه‌ی هم‌چون بادام.]

در هر دوی این لالایی‌ها با وجود اختلاف فرهنگی، شباهت‌هایی دیده می‌شود مانند درخواست مادر از کودک برای خوابیدن، بردن نام اعضای خانواده مانند پدر و مادر و ذکر خوردنی‌های محبوب کودک. وجود قافیه و تغییر آن در هر بیت، نقش به‌سزایی در موسیقی ترانه دارد اما گاهی قافیه در ترانه جای خود را به هم‌آوایی دو کلمه و یا جناس می‌دهد به‌طور مثال در بیت دوم از لالایی عربی دو کلمه‌ی هم‌آوای "النوم" و "بوقرعون" در پایان بیت قرار گرفته‌اند.

ب. ترانه برای شاد کردن و رقصاندن کودک: گاهی مادر برای خنداندن و شادکردن کودک ترانه‌هایی آهنگین و با ضرب آهنگ می‌خواند و کودک نیز با حرکات دست و پا مادر را همراهی می‌کند. نمونه‌ی این ترانه در فرهنگ ایرانی، ترانه‌ی زیر است.

صدای کفش پاش میاد.	دسی دسی باباش میاد
با هر دو تا ممش میاد.	دسی دسی ننه‌ش میاد
با جیب پر لیموش میاد.	دسی دسی عموش میاد

(پناهی سمنانی، ۱۳۶۴: ۱۴۸)

چنین ترانه‌هایی برای رقصاندن کودکان در ادبیات عرب نیز یافت می‌شود مانند:

لَمْ يَتَنَاسَبْ خَالُهُ وَ عَمُّهُ	إِنَّ بِلَالًا لَمْ تَشِينَهُ أُمَّهُ
و يَذْهَبُ الْهُمُومَ عَنِّي ضَمُّهُ	يَشْفِي الصُّدَاعَ رِيحُهُ وَ شَمُّهُ
مَا يَنْبَغِي لِلْمُسْلِمِينَ ذَمُّهُ	كَأَنَّ رِيحَ الْمِسْكِ مُسْتَحَمُّهُ

(ابوسعید، ۱۹۸۲م: ۶۰)

[مادر بلال او را زشت نگردانیده است. (در زشتی ظاهر به مادرش نرفته است.) به دایی و عمویش نیز نرفته است. بوی خوش او سردرد را شفا می‌دهد و در آغوش گرفتنش اندوه را از من

برطرف می‌کند. گویا محل شستشوی او بوی مشک می‌دهد پس شایسته نیست، مسلمانان او را مذمت کنند.]

موسیقی و آهنگ رقصان این ترانه‌ها کودک را به هیجان می‌آورد. مضمون این دو ترانه نیز برگرفته از زندگی روزمره‌ی کودک و نشان از محبت اطرافیان به او است.

**ج. متل:** متل نوعی ترانه است که «در لغت به معنی مزخرف، مفت و مثل سائر و در اصطلاح ادبیات، بیان کوتاه و موزون و دنباله‌دار و دارای ماجراهای سرگرم کننده است.» (انوشه: "متل") متل‌ها هم جنبه‌ی آموزشی دارند و هم جنبه‌ی سرگرمی، و خواندن آن‌ها هنگام بازی‌های کودکانه بر شور و تحرک خردسالان می‌افزاید و موجب نشاط آن‌ها می‌شود. متل‌ها و افسانه‌های منظوم، نخستین قالب شعرهای غنایی‌اند. از نمونه‌های معروف متل در ادبیات فارسی متل زیر است:

اتل متل توتوله	گاو حسن چه جوهره
نه شیر داره نه پستون	گاو شو بردن هندستون...

مضمون بسیاری از متل‌ها، حکایت‌هایی شوخی آمیز و بی‌معنا است و در آن‌ها بعضی از جملات یا کلمه‌ها به دفعات تکرار می‌شوند مانند کلمه‌ی "بله" در متل عمو زنجیرباف. (انجوی شیرازی، ۱۳۷۱: ۵۴) و مانند این متل در ادبیات عامه‌ی عربی که در شب‌های ماه مبارک رمضان، کودکان مصری در حالی که فانوس‌های رنگی در دست دارند، با هم می‌خوانند:

ابتدا یک نفر می‌گوید: «وحوی وحوی» و دیگران در جواب می‌گویند: «إيأحه» [این کلمه‌ای بی‌معناست]. سپس نفر اول می‌گوید: «بنتُ السلطان لابسَةُ قُفطانٍ بالأحمرِ، بالأخضرِ، بالأصفرِ» [دختر سلطان ردایی قرمز، سبز، زرد پوشیده است]. و دیگران می‌گویند: «إيأحه» سپس نفر اول می‌گوید: «لو لا فلانٌ ما جينا و لا تعبنا رجلينا و لا جينا» [اگر فلانی نمی‌آمد ما هم پاهایمان را خسته نمی‌کردیم و نمی‌آمدیم]. (حداد، ۲۰۰۹م)

**د. چیستان:** ساختار چیستان‌ها آمیزه‌ای از هوش آزمایی، ادبیات و بازی ذهنی است و از آن، در روزگاران گذشته برای اندازه‌گیری هوش و توانایی ذهنی کودکان استفاده می‌شد. چیستان‌ها نه تنها در ادبیات عامیانه بلکه در ادبیات رسمی و سروده‌های شاعران نیز وجود دارند. (محمدی و

قایینی، ۱۳۸۰: ۶۶) از نمونه‌ی چیستان‌ها، چیستانی درباره‌ی چشم در زبان فارسی است که به صورت ترانه در آمده است:

حوضی است در او آب خوش آسوده      در حوض یکی کشتی قیر اندوده  
کشتیبانی در او به رنگ دوده      بر جای نشسته و جهان پیموده  
(پناهی سمنانی، ۱۳۶۴: ۱۳۸)

در کتاب‌های ادیبان نکته پرداز عرب نیز، چیستان‌های بسیاری می‌توان یافت که برای آزمایش هوش کودکانشان طرح شده است، مانند این چیستان که در مورد آب است:

يُمَيْتٌ وَّ يُحْيِي وَّ هُوَ مَيِّتٌ بِنَفْسِهِ      وَّ يَمْشِي بِلَا رَجْلٍ اِلَى كُلِّ جَانِبٍ  
يُرى فِى حَضِيضِ الْاَرْضِ طَوْرًا      وَّ تَارَةً تُسَامِي فَوْقَ طَوْرِ السَّحَابِ  
(بکر، ۲۰۰۶: ۸۲)

[می‌میراند و زنده می‌کند درحالی که خود مرده است و بدون پا به هر سو می‌رود. گاهی در زمین پست دیده می‌شود و گاهی بر اوج ابرها بالا می‌رود.]

## ۲. ادبیات مکتوب

ادبیات کودک مکتوب در ادبیات معاصر، در سه قالب نمود یافته است و آن شامل داستان، شعر و نمایشنامه می‌گردد.

### ۱-۲. داستان

داستان کودکان نیز متشکل از همان عناصر اساسی در داستان بزرگسالان است با این تفاوت که این عناصر در داستان کودکان ویژگی‌های خاص خود را دارد. با شناخت این ویژگی‌ها می‌توان به تعریفی از داستان کودک رسید.

**الف.** پیرنگ: پیرنگ «الگو یا شبکه استدلالی حوادث داستان است و چون و چرایی حوادث را در داستان نشان می‌دهد.» (میرصادقی: "پیرنگ")

پیرنگ در داستان کودکان ویژگی‌های خاصی دارد؛ از آن جمله وجود تحرک و هیجان فراوان، بروز معما، گره و یا مشکلی ساده که در پایان داستان گشوده شود، سادگی، توجه به جنبه-